



بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی

بهنام سرخوش منجق تپه^۱، هما داودی گرمارودی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

صفحات ۵۵ تا ۷۹

چکیده

بهره‌گیری از فناوری‌های الکترونیکی در حوزه دادرسی چند سالی است که در دستور کار کشورهای توسعه یافته قرار گرفته و برخی کشورهای کاملاً مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا در برگزاری جلسات دادرسی به صورت الکترونیکی پیشرو هستند. در ایران نیز مدتی است که روند الکترونیکی شدن فرآیند دادرسی آغاز شده است اما تا کنون به جلسات دادگاه راه نیافته است اما با توجه به رشد شتابان فناوری‌های نوین این شیوه برای تشکیل جلسه دادرسی در آینده نه چندان دور ضرورت می‌یابد، به همین خاطر باید ابتدا جوانب آن در فضای علمی و از منظر دانش‌های پیرامونی بررسی شود تا آسیب‌های آن کاهش یابد.

یکی از این دانش‌های پیرامونی فقه است که چنین جلسه‌ای را وقتی معتبر می‌داند که آداب و معیارهای فقهی در آن رعایت شود. فقه‌ها این آداب را به واجب، مستحب، حرام و مکروه تقسیم کرده‌اند و در تطبیق آن‌ها با جلسه الکترونیکی می‌توان این معیارها را در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: اول معیارهایی که اجرای آنها در جلسه الکترونیکی تفاوتی با جلسه سنتی ندارد، دوم معیارهایی که برگزاری جلسه به طور الکترونیکی امکان رعایت آنها را کمتر می‌سازد؛ چرا که ارتباط الکترونیکی به خاطر محدودیت‌ها و کاستی‌هایی که در مقایسه با ارتباط حضوری دارد، کلیه مواردی را که مستلزم درک حالات متقابل قاضی و طرفین دعوا است، تضعیف می‌کند. به همین خاطر بهره‌گیری از تجهیزات الکترونیکی در فرآیند دادرسی علی‌رغم آثار و برکات مثبتی که دارد اما تفاوت‌های جدی با دادرسی سنتی دارد و به خاطر خطری بودن امر قضاوت که آن را نیازمند دقت نظر بیشتر نسبت به سایر مسائل اجتماعی می‌سازد، نمی‌توان آن را کاملاً هم‌تراز دادرسی حضوری دانست، چرا که ماهیتاً در انعکاس شرایط کیفی، جلسه دادرسی الکترونیکی نسبت به دادرسی سنتی ضعف جدی دارد و علی‌رغم ضرورت بهره‌گیری از تجهیزات الکترونیکی در کلیه فرآیندهای دادرسی، باید در بکارگیری آن در جلسه دادگاه احتیاط کرد و به میزانی که موضوع دعوی خطرتر باشد، برگزاری آن به صورت الکترونیکی محدودتر و مختص به دعاوی ساده‌تر و موارد اضطراری شود.

واژگان کلیدی: دادرسی الکترونیکی، فقه، جلسه دادرسی، آداب قضا.

*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

**استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل:

homa_nama@yahoo.com

مقدمه

با توسعه فناوری الکترونیک در دنیای امروز فعالیت‌های مهمی در این بستر انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به گسترش تجارت الکترونیکی و آموزش الکترونیکی اشاره کرد. از سال ۱۹۷۰ میلادی این فناوری به حوزه دادرسی هم راه یافت و الکترونیکی کردن فرآیند دادرسی در دستور کار کشورهای پیشرفته قرار گرفت. کشورهایی که امروزه در خط مقدم تولید دانش ایستاده‌اند، در این راه از پیشگامان استفاده و توسعه سریع این پدیده بوده و بیشترین منافع را نیز از آن خود کرده‌اند. در میان کشورهای با سیستم حقوقی کامن‌لا، ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا در برگزاری جلسات دادرسی به شیوه الکترونیکی پیشرو هستند.

از سال ۱۳۸۰ شمسی دستگاه قضایی ایران نیز در مسیر بهره‌گیری از این فناوری قرار گرفت و برخی از فعالیت‌هایی که در چهارچوب سیستم مدیریت پرونده قضایی انجام شده است، مربوط به جلسه دادرسی است اما از آنجا که هنوز تشکیل جلسه دادرسی در مرحله ایده و نظر است و قدم به مرحله عمل نگذاشته، این دست از اقدامات نیز شکل اجرایی به خود نگرفته است اما با توجه به رشد شتابان فناوری‌های نوین و اقبال گسترده مردم به آن به نظر می‌رسد این شیوه برای تشکیل جلسه دادرسی شیوه‌ای است که در آینده نه چندان دور گریزی از آن نخواهد بود. بنابراین ضروری است در ابتدا همه جوانب کار در فضای علمی مورد بررسی قرار گیرد و تمامی جنبه‌ها و ابعاد آن بررسی شود تا آسیب‌های احتمالی در مرحله اجرا به حداقل برسد.

اگرچه در نگاه اول اینگونه به نظر می‌آید که تغییر شیوه برگزاری جلسه دادرسی از سنتی به الکترونیکی صرفاً یک تغییر شکلی است و می‌توان با همین قوانین موجود آن را اجرا کرد اما نگاه دقیق‌تر به مسئله ما را با مجموعه‌ای از سؤال‌ها و ابهامات مواجه می‌کند که بدون پاسخ به آن سؤالات و رفع آن ابهامات نمی‌توان با اطمینان خاطر گام در این راه نهاد. سؤالاتی مانند اینکه آیا تشکیل چنین جلسه‌ای از منظر دانش‌های

پیرامونی آن که این مولود در دامان آن علوم متولد می‌شود؛ همچون حقوق، فقه، مباحث عقلی و فلسفی، علوم رایانه‌ای و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی و... مطلوب و امکانپذیر است؟

همانطور که جلسه دادرسی الکترونیکی وقتی از نظر حقوقی تایید می‌شود که اصول دادرسی در آن رعایت شود. دانش فقه نیز - که یکی از منابع اصلی حقوق ایران است - وقتی آن را تایید می‌کند که با معیارهای آن تعارض نداشته باشد. از آنجا که قلمرو فقه بسیار گسترده و پر دامنه است و به یک بعد از ابعاد گوناگون زندگی افراد بشر بسنده نکرده و همه ابعاد و جوانب آن را در نظر داشته و به گونه‌ای خاص یا از راه عنوان کلی، آن را مورد نظر داشته و حکمی برای آن بیان کرده است. فقیهان عصر در هر جامعه‌ای باید برای موضوعاتی که از نظر ماهوی و کیفی متحول شده‌اند حکم جدیدی صادر کنند. یافتن پاسخ این پرسش، موضوع مقاله حاضر است و لازم است به این بحث پرداخته شود که آیا اصولاً از منظر فقهی، تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی و مجازی معتبر است یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، این اعتبار از کدام ادله فقهی و چگونه حاصل می‌شود؟ و آیا می‌توان جلسه الکترونیکی را نیز همچون جلسه سنتی دانست؟

برای این سوال می‌توان دو پاسخ ارائه کرد: پاسخ اول مثبت است و جلسه دادرسی سنتی با نوع الکترونیکی آن از نظر ماهوی تفاوتی ندارد و مفهوم جلسه بر هر دو نوع آن صدق می‌کند. در هر دو وکلا و اصحاب دعوا می‌توانند حاضر شوند و به طور مستقیم از تمامی فرصت‌های یک جلسه دادرسی بهره‌مند شوند. تنها تفاوت آن‌ها در بستر برگزاری آن‌هاست، به این صورت که جلسه دادرسی الکترونیکی در بستر اینترنت شکل می‌گیرد که این هم تفاوتی عرضی است و جوهر و ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد. پاسخ دوم به سوال مطرح شده منفی است. بنابر این دیدگاه، اگرچه جلسه دادرسی الکترونیکی نیز نوعی جلسه دادرسی است و از این نظر میان دو نوع حقیقی و مجازی

۵۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

آن شباهت وجود دارد اما از تفاوت‌های آن‌ها نیز نمی‌توان به راحتی گذشت و هر دوی آن‌ها را ذیل حکم واحد قرار داد.

به دلیل حذف ارتباط فیزیکی در این نوع جلسات و ایجاد ارتباط مخابراتی میان حضور واقعی و حضور از راه دور تفاوت وجود دارد و همین تفاوت‌هاست که در حوزه‌هایی چون آموزش الکترونیکی موجب شده کارشناسان فن تمهیداتی برای از بین بردن تفاوت‌های میان آن‌ها و جبران نقص‌های احتمالی شیوه جدید بیندیشند. حال در زمینه دادرسی الکترونیکی نیز باید تمهیدات اضافه‌تری اندیشید تا ضعف‌های آن جبران شود و از مزایای بسیار آن با حداقل آسیب بهره‌برداری شود.

۱. پیشنهاد تحقیق

تحقیقاتی که تاکنون در کشور ما صورت گرفته است، در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله را می‌توان در سه محور کلی دسته‌بندی کرد:

دسته اول تحقیقاتی است که به بررسی «مبانی نظری دادرسی الکترونیکی» پرداخته‌اند که در آن مباحثی مانند ضرورت، مزایا و معایب این نوع دادرسی، تاثیر آن بر دادرسی منصفانه، نقش آن در توسعه قضایی، اطلاع دادرسی و... مطرح شده است: مقاله «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی» علیرضا مهرافشان، مقاله «مزایا و معایب دادرسی الکترونیک» بهنام حبیبی، پایان‌نامه «دادرسی الکترونیکی و تاثیر آن بر دادرسی منصفانه در عدالت کیفری ایران» نرجس روستا، پایان‌نامه «بایسته‌ها و چالش‌های دادرسی کیفری الکترونیکی در پرتو لایحه جدید آئین دادرسی کیفری» فرزانه حسن‌پور، پایان‌نامه «تبیین نقش دادرسی الکترونیکی در توسعه قضایی و رفع اطلاع دادرسی» سهراب زندی هاشمی، پایان‌نامه «نقش ابزارهای الکترونیک در پیشگیری از اطلاع دادرسی» مجید رحیمی، پایان‌نامه «امکان‌سنجی بهره‌گیری از فضای مجازی در فرآیند دادرسی» مریم ابراهیمی.

دسته دوم تحقیقاتی است که با محوریت یکی از «مراحل سه گانه دادرسی الکترونیکی» (۱. مرحله پیش از دادرسی و تحقیقات مقدماتی ۲. مرحله دادرسی ۳. مرحله پس از دادرسی و صدور حکم) صورت گرفته است که عبارتند از: کتاب «دادرسی الکترونیکی: از مدیریت پرونده تا راهبری دادرسی» امیرحسین جلالی، پایان نامه «تشکیل جلسه دادرسی به روش الکترونیکی» عباس بنایی، مقاله «استنادپذیری ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران» امیرحسین جلالی، مقاله «نظارت بر محکومین از طریق سامانه های الکترونیکی» محمد حسین زاده، مقاله «تاثیر الکترونیکی بر تکرار جرم» رضا احسان پور، مقاله «نظارت الکترونیکی گامی به سوی جایگزین های زندان» عباس تدین، مقاله «مطالعه تطبیقی نظارت الکترونیکی در حقوق ایران و آمریکا» فضل الله فروغی، مقاله «نظارت الکترونیکی بر بزهکاران» غلامرضا محمدنسل.

دسته سوم نیز به بررسی پیامدها و نتایج عملی به کارگیری این روش در ایران پرداخته است که با توجه به جدید بودن این موضوع و فاصله زمانی کوتاهی که از تصویب این قوانین در ایران می گذرد، تاکنون در این زمینه تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. مانند پایان نامه «رضایت مندی اصحاب دعوا از دادرسی الکترونیکی در محاکم کیفری» ندا بیگدلی آذری.

تحقیق حاضر را - که به واکاوی نظر فقه درباره این موضوع پرداخته است - باید در قسمت اول یعنی «مبانی نظری دادرسی الکترونیکی» جای داد و درباره این موضوع تا کنون تحقیقی یافت نشد و موضوع از این منظر جدید است.

۲. روش تحقیق

برای نیل به مقصود و حسب مورد پاسخگویی به سوال مطروحه، منابع و مآخذ متعددی مورد بهره برداری قرار گرفته است. بدین سان نوع پژوهش، بنیادی و به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام گرفته است.

۳. تعریف جلسه دادرسی الکترونیکی

جلسه در لغت به اجتماع جمعی از مردم برای انجام امری یا شنیدن نطقی با داشتن یک رئیس اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۵۴) دادرسی در لغت به معنای «عمل دادرس، قضاء و محکمه»، به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه» (معین، ۱۳۶۰: ۱۴۷۹) آمده است و در فقه و حقوق به رسیدگی شکلی و ماهوی قضایی به ادعای طرح شده از سوی مدعی (خواهان) با رعایت مقررات قانونی در اطلاع دادن به مدعی علیه و شنود دفاع وی و صدور رای دادرسی گفته می‌شود. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۹۴۶) در این تحقیق منظور از جلسه دادرسی همان دادرسی به مفهوم اخص است که رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه برای صدور رای را در بر می‌گیرد و دادرسی در این مفهوم در بیشتر موارد با پیشوند جلسه به کار می‌رود. (شمس، ۱۳۸۶: ۱۱۲) موضوع پژوهش حاضر از زمان تشکیل جلسه دادرسی تا پایان آن است و به سایر اقدامات مربوط به دادرسی اعم از قبل و بعد از جلسه مانند ارائه دادخواست، ابلاغ احضاریه، ابلاغ رای و... ورود ندارد.

درباره «جلسه دادرسی» آمده است: «تعریف قانونی ندارد و مستفاد از مواد آئین دادرسی مدنی این است که جلسه عبارت است از یک وضع قانونی که دست کم قائم به وجود دادرس (یا قائم مقام قانونی او که متصدی جلسه است) و مسبوق به جریان تشریفات مخصوص قانونی است». (لنگرودی، ۱۳۷۶: ۹) جلسه بدون قید همان جلسه دادرسی است. در فقه به آن «مجلس القضاء»، «مجلس الحکومه» و «مجلس الحکم» می‌گویند. (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۵۶۰) در حقیقت جلسه دادرسی نشستی است که در آن به دادخواهی دادخواه رسیدگی می‌شود. معنای اصطلاحی این عبارت بر معنای لغوی آن منطبق است. چنانچه قاضی مرجع قضاوتی با تعیین وقت و دعوت قبلی از اصحاب دعوا یا وکلای آنها حضور یافته تا به دعوا یا امری که خواهان مطرح کرده یا به ادعاهای و ادله اصحاب دعوا رسیدگی کند، جلسه دادرسی تشکیل شده است. جلسه دادرسی

ممکن است در دادگاه یا خارج آن تشکیل شود. بنابراین جلسه تحقیق محلی و معاینه محل، جلسه دادرسی شمرده می‌شود. (شمس، ۱۳۸۶: ۱۳۱)

با توجه به مطالب بالا در تعریف جلسه دادرسی الکترونیکی باید گفت: «رسیدگی به دادخواهی از طریق برقراری ارتباط هم‌زمان با استفاده از واسطه‌های الکترونیک». به عبارت دیگر، روش یا الگویی است که اهداف و برنامه‌های جلسه دادرسی سنتی را با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم می‌کند.

در هیچ یک از قوانین به ویژگی‌ها و شرایط تشکیل جلسه دادرسی تصریح نشده است. به نظر می‌رسد این عدم تصریح به این جهت باشد که در عرف معنای جلسه روشن است و قانون نیز با سکوت خود قصد داشته تا جلسه را به متبادر عرفی آن حمل کند که عبارت است از اجتماع گروهی از مردم در یک مکان فیزیکی. بر اساس همین تحلیل است که برخی معتقدند ناگزیر باید اشتراک موجود در لفظ جلسه در دو کاربرد جلسه دادرسی سنتی و جلسه دادرسی الکترونیکی را صرفاً از نوع اشتراک لفظی به حساب آورد و به تفاوت معنایی میان آن دو حکم کرد.

درست است که قانونگذار شرایط جلسه دادرسی را با سکوت برگزار کرده و این سکوت را باید بر اراده قانونگذار نسبت به ترجیح معنای عرفی جلسه حمل کرد اما در این میان نباید نسبت به تحولات در معنای عرفی جلسه بی‌توجه بود. در گذشته و پیش از فراگیر شدن ابزارهای ارتباط مجازی، جلسه صرفاً در شکل سنتی آن قابل تصور بود و مردم تشکیل جلسه را تنها با گرد هم آمدن در یک مکان فیزیکی قابل تحقق می‌دانستند اما امروزه این مفهوم از جلسه متحول شده و از این واژه معنایی گسترده‌تر اراده می‌شود. به نحوی که تشکیل کنفرانس‌های مجازی در هر دو شکل رسمی و غیررسمی آن متداول شده است. در این شرایط اگر در یک سازمان با فراهم آمدن بستر لازم کلیه اعضا یا تعدادی از آنان به صورت الکترونیکی در جلسه شرکت کنند، هیچ‌کس در تشکیل چنین جلسه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد.

۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

در دادرسی الکترونیکی، هدف کاهش حضور فیزیکی در دادگاه است. جهت تحقق این هدف نیز در دادگاه الکترونیکی از ابزارها و روش‌های الکترونیکی استفاده می‌گردد، از قبیل ویدئو کنفرانس با مانیتورها و دوربین‌ها، نوار ویدئویی، مکالمات تلفنی و... به عنوان مثال، در مورد شهادت به صورت ویدئو کنفرانس یک طرف به عنوان شاهد در خارج از دادگاه که یک صفحه نمایشگر و همچنین یک میکروفون جلوی او قرار داشته و او شرکت‌کنندگان در دادرسی را می‌بیند و در طرف دیگر نیز قاضی و هیأت منصفه هستند که به همراه دادستان، وکیل متهم و متهم در دادگاه حاضر شده و چهره شاهد را از طریق صفحه نمایشگر می‌بینند و هر دو طرف می‌توانند به تعامل و گفتگو بپردازند. گاهی نیز بنا به دلایلی حضور شاهد با مشکل مواجه است و بر همین اساس است که شهادت ویدئویی ارایه می‌شود که در این روش شاهد، صدا و تصویرش ضبط شده است و برخلاف شهادت کنفرانسی، پنخس غیر زنده است. در شهادتی که به طریق ویدئو کنفرانس انجام می‌شود حرکات فیزیکی، وضعیت صورت (خوشحال، ناراحتی، عصبی بودن، استرس و...) نیز دیده می‌شود که تمامی این موارد می‌تواند در دادگاه تاثیر بسزایی وارد کند و صحت و سقم شهادت را برساند. (مهرافشان، ۱۳۹۰: ۱۲)

تحصیل دلیل از محوری‌ترین موضوعات حقوقی و به ویژه حقوق کیفری است. دلایل سنتی در قوانین آیین دادرسی مدنی و مجازات اسلامی احصاء شده‌اند و در فرآیند دادرسی یا دلایل از طرف طرفین دعوی ابراز می‌گردند یا اینکه توسط مقام قضایی کشف می‌شود. در بعد حقوقی، ارائه دلیل وظیفه طرفین دعواست که در معنای سنتی خود اغلب با حضور فیزیکی و ارائه شهادت، ارائه سند یا هر نوشته دیگر به شکل دستی، اقرار با حضور اقرارکننده در دادگاه یا با وقوع اقرار خارج از دادگاه و احراز متعاقب آن در دادگاه و همچنین خوردن سوگند در دادگاه صورت می‌پذیرد. در امور کیفری نیز ارائه دلیل به روش سنتی همانند امور حقوقی صورت می‌گیرد و البته اختیار قاضی در امور کیفری برای جمع‌آوری دلایل و کشف واقع بیش از امور مدنی است، تا حدی که می‌توان گفت تحصیل دلیل برای دادگاه کیفری نه تنها مجاز است

بلکه ضروری است. (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۶) در کنار این شکل سنتی ارائه دلیل، می‌توان از شکل نوین ارائه دلیل الکترونیک که حاصل انعطاف در سیستم ادله سنتی است سخن گفت. ارائه دلیل به دو گونه عمده می‌تواند تحقق یابد: یکی ارائه دلیل در قالب سخت‌افزارهای حامل اطلاعات الکترونیک و دیجیتال و دیگری ارائه آن به شکل برخط است.

۴. بررسی و مقایسه ماهیت جلسه سنتی و جلسه الکترونیکی

«حضور مجازی» مهمترین خصوصیت و وجه تمایز یک جلسه دادرسی سنتی با جلسه دادرسی الکترونیکی است. اصولاً آنچه در جلسه دادرسی الکترونیکی شکل می‌گیرد، گرد هم آمدن افراد مرتبط با یک دعوی کیفری در یک فضای مشترک است، بدون همراهی بدن آن‌ها. در چنین فضایی از جهتی حضور شکل گرفته است و از جهت دیگر غیبت؛ حضور از جهت فکری و ذهنی و غیبت از جنبه بدنی و فیزیکی. این اتفاق اختصاص به جلسه دادرسی الکترونیکی ندارد و امروزه ما بسیاری از کارها و فعالیت‌ها را مانند خرید کردن، تحقیق کردن و... بدون خارج شدن از اتاقمان انجام می‌دهیم و در همه این فعالیت‌ها یک امر مشترک وجود دارد و آن عدم حضور فیزیکی است. البته باید توجه داشت در اینجا منظور از بدن فقط جسم فیزیکی ما نیست بلکه شامل اخلاق و احوال ما هم هست که به چیزها موضوعیت می‌بخشد و منظور از بدن تمام نمودهای محدودیت و آسیب‌پذیری ماست. (بنایی، ۱۳۹۱: ۳۵)

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است بررسی شود اگر فرض کنیم یک جلسه الکترونیکی دادرسی با کاملترین شکل آن - که همان برخورداری از صدا، تصویر، سرعت و... - مناسب و مطلوب باشد، در این صورت آیا می‌توانیم حکم کنیم هیچ تفاوتی با یک جلسه حضوری سنتی ندارد؟

این سوال در مسائل دیگر هم مطرح شده است؛ مانند آموزش الکترونیکی که برای آموزش در فضای مجازی باید بسته‌های آموزشی آفلاین در نظر گرفت. همین نشان

۶۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

می‌دهد که کارشناسان این حوزه، جلسات آنلاین و غیرحضوری را برای آموزش ناکافی می‌دانند. آن‌ها با این کار می‌خواهند این پیام را منتقل کنند که به دلیل نقصی که در یک ارتباط مستقیم مجازی نسبت به نوع حضوری آن وجود دارد، همه نتایج یک کلاس حضوری به دست نمی‌آید و لازم است برای جبران آن جلسات آفلاین و حضوری را هم در نظر گرفت یا حتی بالاتر از آن از آموزش الکترونیکی ترکیبی استفاده کرد.

در مقایسه آموزش در کلاس و آموزش از راه دور گفته شده است: در کلاس وقتی شاگردی سوال می‌کند یا توضیحی می‌خواهد، استاد متوجه بسیاری چیزهای دیگر در کلاس هست، مثلاً وقتی می‌بیند بقیه شاگردها هم با سوال او سر تکان می‌دهند، متوجه می‌شود سوال برای بقیه هم مهم است و در جواب دادن دقت بیشتری به خرج می‌دهد یا وقتی شاگردان احساس خستگی و خواب‌آلودگی دارند، سعی می‌کند فضا را تغییر دهد. این در حالی است که در آموزش از راه دور نمی‌توان این مسائل را حس کرد.

در کلاس حضوری استاد هنگام درس دادن به طور طبیعی زاویه دیدی را انتخاب می‌کند که راحت‌ترین زاویه دید باشد و از آنجا از همه کلاس خبر داشته باشد اما این امکان در کلاس مجازی وجود ندارد. بیشترین احساس استاد از حضور مستقیم شاگردان در کلاس از توانایی برقرار کردن تماس چشمی با آن‌ها حاصل می‌شود. در ارتباط با رایانه هر چه سیستم پنخس هم خوب باشد، نمی‌توان از طریق کانال تصویری تماس چشمی برقرار کرد. بنابراین آنچه در حضور از راه دور از دست می‌رود، توانایی کنترل حرکات بدن برای فهم بیشتر دنیا است. از همین روست که در آموزش الکترونیکی نیز گاه کارکرد آن را به کسانی محدود می‌کنند که امکان آموزش حضوری ندارند، مانند زنان خانه‌دار و افراد شاغل.

در ارتباط مجازی حس تشخیص زمینه و موقعیت از دست داده می‌شود. منظور از زمینه، حال و هوای حاکم بر یک محیط است. در حالت کلی، خلق و خوی مردم در یک محیط و جو معین، انسان را قادر می‌سازد با آن فضا مانوس شود. برای لذت بردن واقعی از یک جشن باید در آنجا حضور داشت و نگاه از راه دور کافی نیست. در یک

جلسه و جمع اغلب حال و هوای کلی و مشترکی وجود دارد و همین مشخص می‌کند چه چیز اهمیت پیدا کند، چه چیز جالب و چه چیزی کسل‌کننده باشد، چه چیز اصلی باشد و چه چیز حاشیه‌ای، چه چیز مربوط باشد و چه چیز نامربوط.

همچنین تفاوت این دو نوع تعامل را در ارزشی که مردم برای تماشای یک نمایشنامه قائل هستند، می‌توان مشاهده کرد. آن‌ها حاضرند به این دلیل که می‌توانند در حال و هوای تئاتر قرار بگیرند و بدون دخالت کارگردان در انتخاب آن‌ها بر روی هر یک از بازیگران که می‌خواهند زوم کنند، پول بیشتری برای تماشای آن پرداخت کنند. بازیگران تئاتر نیز قادر خواهند بود با توجه به واکنش‌های تماشاچیان، خود را با آنان وفق دهند و حال و هوای برنامه را کنترل کنند. (دریفوس، ۱۳۸۳: ۷۹)

موضوع دیگر، تحقق یافتن اعتماد در این فضا است. ایجاد اعتماد تنها از راه ارتباط فیزیکی میسر است. مانند اینکه سرمایه‌گذاران برای اینکه دو مدیر به هم اعتماد کنند که شرکت‌هایشان را ادغام کنند، کافی نیست که تله کنفرانس‌های زیادی با هم داشته باشند. آن‌ها باید با هم چند روز به محیط مشترکی واکنش نشان دهند و به احتمال زیاد سر میز شام به توافق خواهند رسید.

نمونه‌ای دیگر از اهمیت حضور برای جلب اعتماد را می‌توان در روابط دیپلماسی میان کشورها ملاحظه کرد. آنجا که روسای کشورها به جای استفاده از کانال‌های ارتباطی موجود همچون تلفن و... ترجیح می‌دهند هر از چند گاهی موضوعات مهم خود را رو در رو مطرح و بررسی کنند. البته اعتماد انواع مختلفی دارد؛ مثلاً اعتماد به پستی محل که نامه‌ها را می‌رساند، نیازی به نگاه کردن به چشمان او و دست دادن با او ندارد. آن نوع اعتماد که نیاز به برقراری تماس جسمانی دارد، اعتماد به این است که کسی با علایق ما همدردی کند، حتی اگر این کار با علایق خودش در تضاد باشد. (دریفوس، ۱۳۸۳: ۷۹)

اشکالات یاد شده مسلماً در عرصه حقوق که ماحصل مباحث نظری در آن باید برای اجرایی شدن به شکل قانون ارائه شود، در داوری مورد استفاده قرار گیرد و در

۶۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

نهایت در خدمت اجرای عدالت باشد، بسیار مهمتر است؛ خصوصاً اینکه مسئله قضا در اسلام بسیار خطیر و حساس است و چنین عرصه‌ای دیگر عرصه مبهم‌گویی نیست و باید شفاف و روشن به این موضوع پرداخت.

۵. بایدها و نبایدهای فقهی جلسه دادرسی

برای رسیدن به اطمینان در صحت انشای رأی و قضاوت و اعتبار حکم با رعایت عدالت و مطابقت با حکم خدا و رسول (ص)، قضاوت احکام و آدابی دارد که در آثار فقهی به صورت مفصل ذکر شده و برای هر کدام دلایلی آورده شده است. گرچه اگر قاضی پایبند به برخی از این آداب نباشد، به عادلانه بودن حکمش ضرر نمی‌رساند و بر قطعیت و تنفیذ حکم آسیبی وارد نمی‌کند، اما التزام و عمل بدین آداب، موجب حُسن و کمال مراحل دادرسی شده و شخص قاضی را پسندیده و محترم می‌گرداند. فقها این آداب را به واجب، مستحب، حرام و مکروه تقسیم کرده‌اند:

۵-۱. آداب مستحب

۵-۱-۱. قاضی باید وقت حضور خود را در دادگاه به طریقی مطمئن به اطلاع مردم برساند و دادگاه را در فضایی وسیع به صورت علنی تشکیل دهد تا دسترسی به او برای همه مردم آسان باشد. (طوسی، ۱۳۸۸: ۸۶)

۵-۱-۲. شایسته است از اهل شهر کسانی را برگزیند که در امور مورد نیاز منطقه از ایشان یاری گیرد. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۷۲) زیرا قاضی در اجرای وظایف و مسئولیت‌های قضایی خود نیازمند شناخت معتمدان محلی و اشخاص عادل و مورد اطمینان و علما است، تا برای اطمینان خاطر از درستی و دریافت اطلاعات در مورد برخی رخدادها و تحقیق در بعضی حوادث و فهمیدن فساد یا عدم فساد امور، به آنان مراجعه و اعتماد کنند.

۵-۱-۳. وقتی به منطقه مأموریت رسید، در مرکز شهر ساکن شود تا مراجعه‌کنندگان به اندازه مساوی به او دسترسی داشته باشند. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۷۲)

مقصود از سکونت و مسکن، منزل شخصی که قاضی و والی آنجا با خانواده زندگی می کنند نیست، زیرا آنجا محل استراحت و زندگی شخصی است، بلکه مقصود دارالولایه (فرمانداری یا استانداری) و دکه القضاء (دادگستری) است.

۵- ۱- ۴. از دیگر آداب این که برای قضاوت در جایی بنشیند که برای مردمان مشخص و آشکار باشد، مانند صحن و سرا یا محیط باز که دسترسی به وی برای هر کس که می خواهد، آسان باشد. در سرایی نرود که برخی از مردم از آنجا می هراسند، تا نیازمندان بتوانند به راحتی به حَقشان برسند. (جبعی عاملی، ۱۳۶۸: ۳۶۵) اما ظاهراً مقصود از جلوس قاضی در جای آشکار و معلومی برای قضاوت ربطی به دسترسی آسان بدو و مراجعه راحت مردم ندارد، زیرا این مطلب در مورد محل قضاوت بیان شده است. افزون بر این «مکان بارز» به معنای جای معلومی است که به راحتی توسط حاضران دیده شود، نه این که دسترسی بدان جا راحت باشد، از این رو گویا باید محل نشستن قاضی، مرتفع و مشخص و متمایز از محل نشست دیگران حتی معاونان و مشاورانش باشد، تا بر فضای دادگاه و حاضران در آنجا تسلط داشته و به راحتی بتواند آنان را ببیند و آنان هم قاضی را ببینند.

مطلبی که شهید در مسالک بدان اشاره کرده (یعنی قاضی محل حضورش را در جایی قرار ندهد که مردم یا برخی از اینان، از آنجا بهراسند) ظاهراً به این معناست که باید مکان محکمه و دکه القضاء به گونه ای باشد که مراجعه کننده از آنجا نترسد، تا بدان حد که از مطالبه حَقش منصرف شود و به سبب ترس از وضع محل، مراجعه نکند. این از اموری است که رعایتش بر حاکمان و قاضیان لازم است و ارتباطی با این ادب ندارد که محل نشستن قاضی در دادگاه، در جای بلندی باشد. گذشته از این که نباید محل دادگستری یا دادگاه ترسناک و رعب آور باشد. (یزدی، ۱۳۷۴: ۲۳)

۵- ۱- ۵. قاضی از میان عالمان، کسانی را به محکمه احضار کند تا شاهد حکم وی باشند و اگر خطا کرد او را هشدار دهند و در مسائل نظری مشتبه، با آنان مشورت کند تا فتوای لازم حاصل شود. مقصود از اهل علم، مجتهدان در احکام شرعی اند، نه مطلق

۶۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

علما و نیز مقصود آن نیست که قاضی از اینان، در مسئله تقلید کند. (جبعی عاملی، ۱۳۶۸: ۳۵۷)

۵- ۱- ۶. برای قاضی در حال قضا مستحب است هیئتی شکوهمند و آرامش و وقاری مناسب قضاوت داشته باشد. (نجفی، ۱۳۷۰: ۷۷) نشستن در مجلس قضا و پرس و جو و تحقیق و نظارت مستلزم وقار و آرامش است، بی آن که اضطراب و شتاب و خیره‌سری در میان باشد، مبدا متهم به حیف و میل یا ستم یا عدم دقت و عدم شایستگی و بی‌کفایتی شود. افزون بر این قاضی باید در حال خشم و گرسنگی و تشنگی (که اغلب مستلزم اضطراب و نداشتن وقار و آرامش است) قضاوت نکند، روایات نیز بر این مطلب دلالت دارد.

۵- ۱- ۷. اگر یکی از دو طرف، در دادگاه اخلال کند، قاضی به نرمی و آرامش، خطایش را به وی تذکر می‌دهد، اگر دوباره اخلال کرد، وی را باز می‌دارد. اگر بازهم اخلال کرد وی را بر حسب حالش تأدیب می‌کند، البته در تأدیب او به اندازه‌ای که در روند دادرسی لازم است، بسنده می‌شود. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۷۵)

۵- ۱- ۸. ترغیب متخاصمان به سازش قبل از صدور حکم. (محمدبن مکی، ۱۴۰۶: ۷۵)

۵- ۲. آداب مکروه

۵- ۲- ۱. از آداب ناپسند و مکروه، آن است که قاضی در هنگام قضاوت، حاجب و دربان بگذارد. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۷۴) کراهت حاجب داشتن کسانی که مردم بدانها مراجعه می‌کنند مانند پزشک و فقیه و حاکم و قاضی معلوم است و اینان نهی شده‌اند از این که مراجعه مردم را نعمت و دردسر بدانند؛ به ویژه اگر پاسخگویی و رفع مشکل بر مسئول واجب عینی باشد، یعنی کسی دیگری نباشد که کفایت امر کند، در این صورت ایجاد مانع و حاجب حرام است.

مطلب گفته شده در صورتی است که معنای «حاجب» شخص و اشخاصی باشد که مانع تماس مردمان با مسئولان باشند و از ارتباط مردم با کسی که بدو نیازمندند و وی

می‌تواند رفع نیاز کند، جلوگیری کنند، به گونه‌ای که نتوان ارتباط برقرار کرد مگر با اجازه او. در این صورت ارباب رجوع و نیازمندان می‌کوشند از هر راه ممکن رضایت حاجب را جلب کنند، حتی با وعد و وعید و رشوه، بی آن که مسئول (مرجع اصلی) از مانع تراشی حاجب آگاهی و اطلاع داشته باشد. اما اگر «حاجب» به معنای دربان باشد که مانع دسترسی مردم به نیازشان نیست، بلکه نوبت مراجعه کنندگان را تنظیم و مرتب می‌کند، این گونه حاجب، کراهتی نداشته، بلکه گاه واجب است.

۵-۲-۲. مکروه است قاضی قضاوت کند، در حالی که غضبناک است و نیز مکروه است در هر حالی که همانند غضب، ذهن آدمی را مشغول می‌کند، مثلاً گرسنگی و تشنگی و غم و شادی و درد و ملامت و چیره شدن چرت و خواب. اگر در این حالات قضاوت کرد، اما به حق و درست بود، حکم نافذ و معتبر است.

بر این مطلب، پیش از اعتبار جایگاه و شأن قضاوت، روایات باب دلالت دارد: نخست: رسول خدا(ص) فرمود: مَنْ ابْتَلَى بِالْقَضَاءِ فَلَا يَقْضِي وَهُوَ غَضْبَانٌ (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۴۳) هرکس قضاوت را عهده‌دار شد، در حال خشم قضاوت نکند. دوم: امیرمومنان (ع) به شُرَیح قاضی فرمود: لا تشاور (تسار) أحداً فی مجلسک و إن غضبت فقم و لا تقضین و أنت غضبان... (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۶۳) با احدی در جلسه دادگاه مشورت مکن (درگوشی صحبت نکن) و اگر خشمناک شدی، برخیز و در حال خشم هرگز قضاوت نکن.

سوم: علی (ع) به شریح فرمود: ولا تقعد فی مجلس القضاء حتی تطعم. (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۹۳) تا غذا نخورده‌ای، در جلسه قضاوت منشین.

در حدیث دیگر است: لا یقضى إلا و هو شعبان ریان. (بیهقی، بیتا: ۱۰۶) قضاوت نکند مگر آن که سیر و سیراب باشد.

ظاهر روایات بلکه تصریح آن‌ها حرمت و عدم جواز قضاوت در حالات مزبور است، زیرا با «نون ثقیله» موکداً نهی شده، نیز اصل نهی از رسول خدا و امام علی است. مقتضای شأن قضا نیز همین است؛ زیرا خشم، آدمی را از دقت و درنگ و سلامت فکر

۷۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

در حال انشای رأی باز می‌دارد، در حالی که حکم متوقف بر آن است که انسان بر خود مسلط بوده، بر جوانب حکم اشراف و آگاهی داشته باشد، تا بتواند از لغزش و خطا مصون بماند. همین اقتضای شأن قضاوت، منشأ تسری این نهی به حالات دیگر است گرچه در روایات باب نیامده مانند محصور بودن یا غلبه خواب بر قاضی، یا حتی درد و ملالت یا غم و شادی، زیرا در این حالات نیز انسان ایمن از لغزش و خطا نیست، گذشته از خطای متعارفی که همیشه با آدمی است که دچار سهو و نسیان است. ممکن است گفته شود این حکم، در این جا به تناسب حکم و موضوع، مستنبط العله است، اگر نگوییم منصوص العله است؛ زیرا خطا و اشتباه به سبب غضب و خشم و حالات مشابه آن است و نهی از قضاوت در حالت خشم و حالات همانند آن، تعبّد محض نیست، به گونه‌ای که عدم این حالات در صحت و اعتبار قضاوت شرط است، یا این حالات مانع تحقق و اجرای قضاوت صحیح می‌گردند، چنان که در قضاوت ستمگر و جائز است. این شرط فقط برای آن است که خطا و لغزشی صورت نگیرد، از این رو اگر در حال خشم یا حالات مشابه قضاوت کرد اما به نظر قضات عادل، حکمش درست بود یا خود قاضی، پس از آن که خشمش فروکش کرد و این حالت برطرف شد و به حال عادی برگشت، فهمید درست قضاوت کرده و حکمش با تمامی شرایط شرع و ضوابط قانونی همخوان است، تردیدی در درستی حکم وی نیست، چنان که صاحب شرائع بدان اشاره دارد: اگر در این حالات قضاوت کرد اما به حق و درست بود، حکم او نافذ و معتبر است. از این رو، نهی، بر کراهت حمل می‌شود.

پس حق آن است که حالاتی که انسان را در وضع خاص و غیرعادی قرار می‌دهد و اندیشه‌اش را از دقت و درستی باز می‌دارد و احتمال خطا را افزایش می‌دهد، قضاوت در آن حالات شدیداً مکروه و ناپسند بوده و سزاوار است از آن دوری شود. بدترین حالات برای قضاوت، خشم است، بنابراین هر غم و شادی یا گرسنگی و تشنگی، کراهت ندارد، مگر چنان شدید باشد که هم‌پایه خشم گردد و گرنه انسان به واسطه نعمت‌هایی که خدا بدو می‌دهد یا از او می‌گیرد، بدون شادی و غم نیست، گاه مصیبتی

بدو می‌رسد و غمناک می‌شود و گاه توفیقی می‌یابد و خوشحال می‌گردد. دنیا سرایی پر از بلا و گرفتاری است و قاضی در همین سرا و جامعه زندگی می‌کند و هر چه را دیگران در زندگی بدان مبتلایند، وی نیز بدان گرفتار است.

۵-۲-۳. مکروه است قاضی آنگونه ترش‌روی باشد که نتوان دلیل و حجّت را گفت و نیز کراهت دارد آن قدر خوشروی باشد که ایمن از جسارت و گستاخی خصوم نباشد. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۷۴) از روایات باب آمیختگی و تعامل با مردم در روابط اجتماعی برمی‌آید انسان باید میانه‌رو و باوقار با چهره گشاده و کم‌سخن باشد و سخن به راستی و درستی بگوید، نه بسیار بخندد و مزاح کند و پرحرف باشد و در سخن گفتن مبالغه کند. (مجلسی، ۱۳۷۳: ۶۰) باید دل و زبانش یکی بوده، برخلاف آنچه در دل دارد، چیزی اظهار و ابراز نکند، تا نفاق و دورویی در او به وجود نیاید.

اگر قاضی چهره در هم کشد، در طرف تأثیر می‌نهد و او می‌ترسد و در بیان دلایل خود، زبانش می‌گیرد و نمی‌تواند درست دفاع کند، در نتیجه گاهی از حق خود محروم می‌شود و مسبب آن قاضی است. پس لازم است از آن پرهیز شود تا رعایت حق و عدالت شده باشد. از طرفی، ملایمت و نرمش با دیگران نیز اگر باعث شود طرف مقابل جرأت پیدا کند، از آداب ناپسند است. نرمش، در قاضی، اثر بیشتری دارد، هرگاه طرف دعوا احساس نرمش و تأثیرپذیری در قاضی کند، به طمع می‌افتد و در گفتار به خود جرأت می‌دهد که ناحق را حق جلوه دهد. مجلس قضاوت، مجلس جدی و جایگاه عدالت و حقیقت است، نه مجلس گفتگو و شوخی. لازم است قاضی این شأن را حفظ کند، به صورتی که اگر در سخنان هریک از طرفین دعوا یا شاهد یا وکیل یا هرکس دیگری که با اجازه قاضی سخن می‌گوید، حرف خنده‌داری زده شد، قاضی بر مجلس مسلط باشد؛ زیرا وی علاوه بر این که قاضی است، مدیریت محکمه را نیز بر عهده دارد. (یزدی، ۱۳۷۴: ۱۳)

۷۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

۳-۵. آداب واجب

۳-۵-۱. قاضی باید در سلام گفتن و نشستن و سخن گفتن و توجه به طرفین دعوی رعایت مساوات را بنماید و به اظهارات طرفین یکسان گوش دهد و در صدور حکم، عدالت را رعایت کند. (السرخسی، ۱۴۱۴: ۷۶)

۳-۵-۲. قاضی باید در آغاز اظهارات مدعی را گوش کند و اگر مدعی علیه اظهارات مدعی را با بیانی ادعایی قطع کند، نباید به ادعای او توجه کند، مگر این که مدعی علیه جواب مدعی را بدهد و پاسخ او منتهی به صدور حکم شود. (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۱۹۲)

۴-۵. آداب حرام

۴-۵-۱. قاضی نباید به یکی از متخاصمان مطلبی القا کند که موجب غلبه او بر طرف دیگر گردد. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۸۷۰)

۴-۵-۲. قاضی مجاز نیست در حق الناس مانع اقرار اصحاب دعوی شود، ولی در حق الله این امر جایز است. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۸۷۰)

۴-۵-۳. قاضی موظف است از «تعنیت» شاهدان پرهیزد. مراد از «تعنیت»، به زحمت انداختن شهود به واسطه تفریقشان بدون دلیل و توضیح اضافی از آنها خواستن است و منظور از «تعته»، دخالت در شهادت شهود در جهت تردید آنان یا کمک به آنان است. قاضی باید شهود را در اداء شهادت آزاد گذارد و حق ندارد به دنبال شهادت آنان سخنی بگوید که اگر آن را اظهار نمی‌کرد، شاهد در ارائه آن به تردید می‌افتاد. در موارد مزبور دخالت قاضی موجب قضاوت غیر عادلانه و ابطال حق می‌گردد. قاضی نباید شهادی را که در ادای شهادت تردید دارد، تشویق به ادای شهادت کند و نیز نباید هنگام ادای شهادت در سخنان شهود دخالت کند و او را در بیان شهادت به امری که متضمن نفع یا ضرر یکی از طرفین است، هدایت کند. (محقق حلی، ۱۳۶۶: ۸۷۰) البته قاضی می‌تواند از عدالت شهود تحقیق نماید تا اطمینان بیشتری

نسبت به آنان پیدا کند. همچنین اگر قاضی نسبت به شهود مشکوک باشد یا بداند با شهادتشان در صورت انفراد، حقایق بیشتری معلوم می‌گردد، در این صورت می‌توان به تفریق آنان اقدام کرد.

پرسشی که باقی می‌ماند، این است: اعتبار آدابی که برشمردیم، آیا استحباب شرعی دارد، یعنی می‌توان آن را به شارع منتسب و مستند کرد یا این که امری عرفی و عقلایی است که شرع از آن منع نکرده است؟ رأی نزدیکتر به واقع، قول دوم است. (یزدی، ۱۳۷۰: ۱۶)

۶. امکان‌سنجی تحقق معیارهای فقهی در جلسه دادرسی الکترونیکی

معیارهای یادشده را در سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۶-۱. معیارهایی که اجرای آنها در جلسه الکترونیکی تفاوتی با جلسه سنتی ندارد: به نظر می‌رسد برخی از آداب یادشده در جلسه به شکل سنتی یا الکترونیکی آن تفاوتی زیادی ایجاد نمی‌کند، مانند اینکه قاضی در صدور حکم عدالت را رعایت کند یا اینکه در جلسه مساوات را میان طرفین برقرار سازد.

۶-۲. معیارهایی که برگزاری جلسه به طور الکترونیکی امکان رعایت بهتر آنها را میسر می‌سازد:

اینکه بهتر است دادرس مکان واسعی اختیار کند تا دسترسی ارباب رجوع آسانتر شود. در جوامع امروزی با توجه به گسترش شهرها و افزایش جمعیت دسترسی مشکل است و تنها با اختیار مکان وسیع این منظور محقق نمی‌شود اما با بهره‌گیری مردم از تجهیزات الکترونیکی دسترسی بیشتر مردم به دادرس بهتر تحقق خواهد یافت و برقراری ارتباط و سرعت آن را افزایش خواهد داد.

در شرایط فعلی، دشواری احضار عالمان و مشاوره با آنها با شیوه دادرسی سنتی بر کسی پوشیده نیست. اما در مقابل در شیوه دادرسی الکترونیکی این کار می‌تواند به راحتی انجام شود.

۷۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

امروزه موضوع به خدمت گرفتن دربان و حاجب در دستگاه عریض و طویل قضایی با شکل و شمایلی جدید نمود بیشتری یافته است که این خود باعث می‌شود فرد متظلم در مراجعه به این دستگاه دچار ترس و تشویش شود یا به کلی از پیگیری دادخواست خود منصرف شود. جلسه دادرسی الکترونیکی در کنار الکترونیکی کردن سایر خدمات و فرایند قضایی، مراجعه مستقیم به دادگاه‌ها را حذف می‌کند و این خود گامی در جهت تحقق آرمان‌های قضایی است.

دادرسی از قضاوت کردن در حالتی که ذهنش مشوش است؛ مانند غضب، اندوه، شادی، گرسنگی و... نهی شده است اما در صورتی که امکانات یک ارتباط مناسب و مطلوب اینترنتی مهیا باشد، دادرسی چه بسا بخواهد بدون طی مسافت منزل تا محل دادگاه که بخصوص در شهرهای بزرگ با دشواری همراه است، از همان منزل خود در جلسه دادرسی شرکت کند. همچنین از آنجا که طرفین دعوا حضور فیزیکی در دادگاه ندارند، احتمال درگیری فیزیکی یا انجام رفتار خشن در آن‌ها کاهش می‌یابد. علاوه بر این در صورت مشاهده بی‌نظمی دادرسی می‌تواند به راحتی با کلیک کردن یک گزینه حکم اخراج فرد بی‌نظم را محقق کند. همه این عوامل باعث می‌شود که آرامش و سایر شرایط مطلوب برای دادرسی با تشکیل جلسه دادرسی الکترونیکی بهتر محقق شود.

تعینیت شهود یعنی تحمیل کردن مشقت و تکالیف سنگین بر شهود مانند تفرقه انداختن میان آنان و... مکروه است. بدیهی است مکروه بودن تعینت هنگامی است که دادرسی در صحت شهادت شهود شبهه و تردیدی نداشته باشد. ولی در صورتی که در صحت آن مردد باشد این عمل جایز بلکه مستحب است. در دادرسی الکترونیکی تعینیت شهود کاهش می‌یابد به دلیل اینکه اگر لازم باشد حاکم میان شهود جدایی بیندازد و از آن‌ها به طور جداگانه تحقیق کند، می‌تواند موقتاً ارتباط سایر شهود را با جلسه قطع کند و پس از استماع شهادت باقیمانده شهود به همین ترتیب سخنان شهود دیگر را نیز بشنود.

همچنین مسلم است اموری مانند اطلاع‌رسانی از زمان حضور در دادگاه، یاری گرفتن از اهل شهر در موارد مورد نیاز و موارد مشابه با بهره‌گیری از تجهیزات الکترونیکی بسیار بهتر محقق می‌شود.

۶-۳. معیارهایی که برگزاری جلسه به طور الکترونیکی امکان رعایت آن‌ها را کمتر می‌سازد:

به طور کلی می‌توان گفت ارتباط الکترونیکی به خاطر محدودیت‌هایی که دارد، کلیه مواردی را که مستلزم درک حالات متقابل قاضی و طرفین دعوا است، تضعیف می‌کند. مانند اینکه قاضی باید در جلسه شکوه و وقار داشته باشد یا از ترشروی و خوشرویی بیش از حد بپرهیزد تا فضایی بر جلسه حاکم شود که ستم‌دیده به گرفتن حقش امیدوار شود و ستمکار از اجرای عدالت بیمناک باشد.

۷. نتیجه‌گیری

با تامل در مطالب گذشته می‌توان به پرسش نخستین این تحقیق اینگونه پاسخ داد که روشن است بهره‌گیری از تجهیزات الکترونیکی در فرآیند دادرسی آثار و برکات مثبتی خصوصاً در دنیای کنونی دارد اما مسلماً تفاوت‌هایی با شیوه دادرسی سنتی دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها گذشت و باید برای آن‌ها راه چاره‌ای اندیشید. همانطور که گفته شد، نواقص و کاستی‌های روش‌های آموزش مجازی از سوی کارشناسان آن پذیرفته شده و این شیوه را ناکافی دانسته‌اند و مسئله قضاوت که در فقه اسلامی بسیار خطیرتر و حساس‌تر است و با جان و مال و عرض و ناموس و زندگی مردم سروکار دارد، نیازمند دقت نظر و حساسیت بیشتری نسبت به سایر شئون زندگی اجتماعی است.

به خاطر اهمیت فوق‌العاده‌ای که امر قضاوت در اسلام دارد، نوعی رویکرد کیفی بر آن حاکم است که نمونه‌های آن را در قضاوت‌های امیرمومنان (ع) می‌توان مشاهده کرد. آن حضرت برای قضاوت تنها به ادله صوری بسنده نکرده و از روش‌های علمی و

۷۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

روانشناختی نیز بهره می‌گرفتند. برای رسیدن به عدالت تنها دانستن قوانین کافی نیست و قانون در خیلی موارد از اجرای عدالت ناتوان است و لازم است قاضی با درایت و دقت و برخورداری از دانش‌ها و فنون دیگر به حقیقت دست یابد، اگرچه رویکرد کیفی یادشده که ایده‌آل اسلام است، در سیستم قضایی ما کم‌رنگ است.

جلسه دادرسی الکترونیکی اگر به طور کامل اجرا شود و تمام کاستی‌های فنی و اجرایی و امنیتی آن برطرف شود، باز هم ماهیتاً در انعکاس شرایط کیفی جلسه دادرسی نسبت به دادرسی سنتی ضعف جدی دارد و نمی‌تواند حال و هوای حاکم بر محیط را به طور کامل منتقل کند و طرفین را با فضا مانوس نماید و مانند جلسه حضوری موجب برقراری ارتباط چشمی و حسی بین قاضی و شهود و طرفین دعوا و دیگران شود و فضایی ایجاد کند که ستمدیده را امیدوار و ستمگر را بیمناک سازد.

به همین خاطر اولاً بهره‌گیری از این تجهیزات در دنیای کنونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و استفاده از آن به ارتقاء کارایی نظام قضایی بسیار موثر است، ثانیاً شرایط امر قضا ایجاب می‌کند در برگزاری جلسه به شیوه الکترونیکی احتیاط کرد و قائل به تفصیل شد. بدین صورت که نمی‌توان همه دعاوی را به صورت الکترونیکی برگزار کرد و در مواردی مانند دعاوی کیفری و آن دسته از دعاوی حقوقی که شخصیت افراد از اهمیت برخوردار است مانند طلاق، ممکن است کارکرد چنین جلسه‌ای زیر سوال برود. چرا که محاکمات کیفری به دلیل ارتباط مستقیم آن‌ها با حقوق متهم حساسیت بیشتری دارند و همواره تاکید می‌شود دادگاه‌هایی که برای رسیدگی به پرونده‌های جزایی تشکیل می‌شود، از نظر تشریفات و رسمی بودن به گونه‌ای باشد که متهم در آن فضا نتواند به راحتی مطالب خلاف بر زبان آورد و در مقابل این اعتماد و اطمینان برای او حاصل شود که در چنین فضا و چنین جمعی به راحتی و بدون دلیل علیه او حکم صادر نخواهد شد.

همچنین با توجه به وابستگی جرم ارتكابی و میزان مجازاتی که قاضی برای مجرم تعیین می‌کند، به شخصیت متهم این ضرورت احساس می‌شود که حتی‌المقدور دادرس

با متهم یا مجرم پرونده خود مواجهه حضوری داشته باشد. این مواجهه و استماع دفاعیات متهم به صورت حضوری، دادرس را با شرایط و شخصیت متهم آشنا می‌کند. مطالب یادشده اقتضا می‌کند برگزاری جلسه قضا به صورت الکترونیکی مطلقاً جایگزین جلسات سنتی نشود و به میزانی که موضوع خطیرتر باشد، برگزاری آن به صورت الکترونیکی کمتر شود و محدود به دعاوی ساده‌تر و موارد اضطراری شود.

۷۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

منابع

۱. ابن ادریس، (۱۴۱۱)، السرائر، قم، نشر اسلامی.
۲. ابن براج طرابلسی، (۱۴۰۶)، قاضی عبد‌العزیز، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۳. احمد بن حنبل، (بی‌تا)، مسند احمد، بیروت، ج ۵.
۴. انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: محراب فکر، جلد دوم.
۵. بنایی، عباس، (۱۳۹۱)، تشکیل جلسه دادرسی به روش الکترونیکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم.
۶. بیهقی، ابی‌بکر احمد بن حسین، (بی‌تا)، السنن الکبری، بیروت: دارالمعرفه، ج ۱۰.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، تفصیل وسائل اشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم: موسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث، ج ۱۸.
۸. دریفوس، هیوبرت، (۱۳۸۳)، درباره اینترنت، ترجمه علی فارسی نژاد، تهران: انتشارات ساقی.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. جَبَعی عاملی زین‌الدین (شهید ثانی)، (۱۳۶۸)، مسالک‌الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۳.
۱۱. السرخسی، محمد بن أحمد، (۱۴۱۴)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه، ج ۱۶.
۱۲. شمس، عبدالله، (۱۳۸۶)، آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، تهران: انتشارات دراک، جلد دوم.
۱۳. نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۷۰)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴۰.

بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی.....۷۹

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، المبسوط فی فقه الامامیه، محمدباقر بهبودی، تهران: ج ۸.

۱۵. لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶)، دانشنامه حقوقی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۳.

۱۶. لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۰)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر بهبودی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷۶.

۱۸. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۶۶)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مصحح: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۴.

۱۹. محمد بن مکی (شهید اول)، (۱۴۰۶)، اللمعة دمشقیة فی فقه الامامیه، تهران: چاپ محمدتقی مروارید و علی اصغر مروارید، ج ۳.

۲۰. مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۷۰)، ادله اثبات دعوی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۲۱. معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج دوم

۲۲. مهرافشان، علیرضا، (۱۳۹۰)، دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۵، زمستان و پاییز.

۲۳. یزدی، محمد، (۱۳۷۴)، قضاوت؛ اهمیت و آداب آن، فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، شماره ۳۹ و ۴۰.